

ظروف منسوب بسیاری را قائل هستند از صنایع اواخر قرن چهارم و قرن پنجم هجری است و بیشتر آنها از نوع قدح است و اشکال و رسومشان بیشتر پرنده های خرافی است که در روی زمینه سفید رنگی زیر طبقه لعابی قرار گرفته و با رنگهای متعدد زیبایی رنگ آمیزی شده است ، و از نمونه های معروف این نوع قدحی است در مجموعه لویزون Lewisohn (۱) و قدح دیگری در مجموعه دکتر علی پاشا ابراهیم ، در این قدح تصویر پرنده ایست برنگ قهوه ای بر روی زمینه زرد کم رنگی و در زیر این تصویر سه خط مزدوج است که بدائرة محدود منطقه قهوه ای سر رنگی منتهی میشود و در دائرة دو منطقه رنگهای قهوه ای و سفید و بعد سبز و سیاه دیده میشود (تک ۸۸)

اما آمل : خزفهای سفید رنگی آن نسبت داده میشود که روی آنها اشکالی قدزنی شده ، خطوط و قطعه هایی سبز یا بنفش دارد و اگر بحث کاسه شکسته را که اصالتشکلی و هیئت ظروف آن بدو سرختمه شده است مستثنی کنیم (۲) قبه ظروف آملی همه از نوع دوی های برنک و سنگین وزن است و خمیره آنها متعادل سرخشی است و روکشی دارد که غالب سفید یا زرد که رنگ است ، و از اشکالی که روی بن و خ ظروف دیده میشود غلظت مرغابی و ماهی و حیوانات درنده و آهو و طاووس است و بعضی از اشکال و رسوم بطوری مرتب شده گسه بننده را باید پرچه ها و مصنوعات فلزی دوره ساسانی می اندازد .

(۱) A, Survey, of, Persian, Art ج ۲۱ نابلو ۲۶۱ رجوع شود .

(۲) این طرف در محرم ام شهر شکاگوات [نابلو شماره ۲۲] از مصدر ساقی لذکر رجوع شود [و دن آذ در حوالی قرن ششم هجری در ایران و نسبت اختراع شکل ظروف موسوم به الباریلو را از سوره منتهی بکتاب در ادب و تاریخ طرفی الباریلو و رسوم سوره رجوع قرن هفتم هجری] سرده میلادی است .

در مجموعه دکتر علی با ن ابراهیم قدحی از این نوع هست که قوام و اساس اشکالش مناطق دائره شکل متحد المرکز است و در وسط آنها تصویر پرندگی هست و این اثر گرانبها جزء مجموعه پوتیه Pottier بوده است. (۱)

سوداگران آثار باستانی ایران یکنوع خرف را که چندان خوب نیست بشهر اشرف نسبت میدهند، این خرف رابطهای با خرفهای شهر آمل دارد ولی از آن سنگین تر و ضخیم تر است و دارای لعابی زرد رنگ و اشکال ساده سبز رنگی است که تقریباً در لبه های ظرف قرار گرفته است و در وسط آن تزییناتی بر طبقه لعابی قلمزنی شده است و احتمال قوی می رود این خرفها ساخت آمل و اشرف راجع قرن هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی باشد)

خرف شهر ری

شهر ری از قرن ۳ م هجری (۹م میلادی) یکی از بزرگترین و آبادترین شهرهای کشور اسلامی بود، و ابن سنیقول در کتابه آن مندرج است؛ شهر ری بعد از بغداد زیباترین شهرهای شرق است. باقوت حمیدی درباره اش میگوید: (۲)

اما شهر مشهور ری را خود دیده ام، شهر ری زیبا را آجر منسق (ترین شده) محکم آبی رنگ درخشان که مانند ظروف لعاب دار است ساخته شده. . . . شهر بزرگی بوده ولی بیشتر آن ریزان شده است، و اتفاقاً در سال ۶۱۷ که از مغولها فرار می کردم در دره خرابی واردش شده بقیه دیوارهای ویران آنرا سراپا و منارها را برجا و تزیینات آن دیوارها را هنوز باقی دیدم زیرا مدت زیادی از خرابی آن نمیگذشت ولی شهر بکلی خالی از سکنه بود.

باقوت زقور اصطخری مؤلف کتاب المعانی و المسالك نقل کرده، میگوید:

(۱) A Survey of Persian Art ج ۵ کتاب شماره ۶۴۹ - ۱ رجوع شود

(۲) دیوان ابن سنیقول ج ۲، ص ۳۵.

«ری شهری است که اگر از عراق بسوی مشرق روی شهری آبادتر و بزرگتر و ثروتمندتر از آن تا آخر حدود کشور اسلامی نخواهی یافت»^۱ جز بيشاپور که در مساحت بزرگتر از آنست و اما در کثرت انبوه و در آبادی و ثروت شهری از آن مهم بهتر است» (۱)

کارشهایی که در ویرانه‌های این شهر شده آنچه ا در دارة عظمت انبوه و رونق صنایع و فنون و خصوصاً خرف سازی و پارچه بافی و فلز کاری آن گفته شده است ثبت ننماید و احتمالاً قوی میرود که شهر ری در آفرینش از حیث تمرکز کارخانه‌ها در اطراف و حومه شهر حال شهرهای بزرگ صنعتی امروز را داشته است و شاید وجه کارخانه‌های بزرگ در حومه و روستاهای تابع ری بود که این شهر را تا حدی اربعواقب و خیم خرابی‌هایی که حمله مغول در شهرهای بزرگ شرق نزدیک خود رها کرده است.

معرف اینست که پادشاهان ساجقی در تاریخ ایران بزرگترین حاکمین و مشوقین فنون بشمار رفته‌اند و سلطان طغرل دوم آخرین پادشاهان سلجوقی بر آن (۲) در این باره در کتاب هنرندان بترویج فنون اهمیت زیادی میداد و در دوره او (۵۷۳ هـ = ۱۱۷۷-۱۱۹۴ م) صنایع و فنون در شهر ری بمنتیبهی درجه عظمت خود رسیده است و در رأس این صنایع ملکه زهدیه مؤثر صنعت خرف سازی قرار گرفته بود.

۱) ابن بطوطه، مسافر اندلسی، ص ۱۰۰

[۲] آثار در دوره سلجوقی مشهور است که در تاریخ ایران، ص ۱۰۰

۲) ابن بطوطه، مسافر اندلسی، ص ۱۰۰

۳) در طغرل دوم در تاریخ طغرل در تاریخ ایران، ص ۱۰۰

بیرونی در کتاب خود که موسوم به «الجماهر فی معرفة الجواهر» است فصلی در ذکر ظروف چینی نوشته و در ضمن میگوید :

« دوستی اصفهانی در ری داشتم که از سودگران بود و از من درمترل خود پذیرائی کرد و من در آنجا انواع ظرفهای چینی و سایر ادوات را (۱) دیدم که عموماً از چینی بود و من از علاقه او به تجمل در شکست مادام» (۲)

ولی وقت طغرل و حمله امراء خوارزمشاهی و عواقبی که داشت شهر ری خسارت زیادی وارد آورد، پس از آن در سال ۶۲۶ هـ (۱۲۲۴ م) حمله مغول ضربت آخر را با شهر وارد ساخت ولی موقعی که در سر شاهراه های ایران واقع است موجب تجدید رونق آن شد و در سایه این امتیاز تواریت مقدار مهمی از جایگاه بازرگانی و صنعتی را که داشت دوباره بدست آورد؛

بهر حال شهر ری اگر از تمام مراکز صنعتی خزف سازی ایران نزدیکتر و مهمتر نباشد بطور قطع یکی از مراکز بزرگ و مهم آن سرزمین شمار میرود، پس بعید نیست اگر مورخین فنون و صنایع انواع زیادی از خزف را به آن نسبت دهند؛

مثلاً یکدوع آثار نفیس خزفی هست که نمونه هائی از آنها در ری و دیار بکر و موصل کشف شده است، این خزفها بیشتر طبقه های مسطح کم عمقی است که دارای لیه های مسطح و لعاب سفید رنگی چون سرشیر دارد که بکطبقه میتا روی آن قرار گرفته است و مهمترین اشکالی که در آن دیده میشود صورت بُراق و بعضی پرندگان و مرغابی و غاز است، و شاید زیباترین انواع این خزف طبقه باشد که

[۱] در اینجا نام بیشتری از ظروف را برده و ما از ترجمه آن صرف نظر

نمودیم [۲] کتاب الجماهر فی معرفة الجواهر بیرونی «چاپ اول در حیدرآباد

در قسمت اسلامی موزه‌های برلن است و روی آن صورت سیمرخ باخروس بزرگی دیده میشود، و طبق دیگری از این نوع در لندن در مجموعه بومور فویرلوس هست که منظره مجلس رقص و موسیقی را مابین میدهد و مجلس بردوش دو حیوان وحشی و درنده قرار گرفته است، اما مهمترین رنگهای این مجموعه که منسوب به دو قرن پنجم و ششم هجری (بازدهم و دوازدهم میلادی) است رنگهای آبی و سبز و ارغوانی میباشد.

علاوه بر این هر ری در نگار بردن ماده پینائی در انواع مختلف محصول خزف در تمام سراسر صنعتی برتری داشته و این ماده را در ظروف و مجراها و صندلیها و خانه‌ها و مجسمه‌های آدمی و حیوانی بکار برده است، و طرز تزیین نا منا در این دوره با دوره‌های سابق تفاوت کرده است یعنی در دوره‌های سابق اشکال را با مینا میپوشانید ولی در این دوره زمینه را مینا کاری کرده و اشکال را رنگ سفید در روی آن نمایش میدادند:

خزف سازان شهر ری مقدار زیادی اشکال هندسی و نباتی را در تزیین صنعت خود بکار بردند و اشکال بیشتر حیوانات آبروز خاصه خرگوش و سگهای شکاری را کشیده اند، علاوه مناصری از مجال رقص و ضرب و موسیقی و شکار و چوگان دزی و جشنهای رسمی را در روی خزف آورده و حتی یکی از آنها تصویر پزشک، که خام زیبائی را رنگ میزنند کشیده شده است و این شکل اخیر در زمینه قدحی است که فعلا در قسمت اسلامی موزه‌های برلن میباشد (۱)

امتیاز خرفه‌های مینا کاری شهر ری موضوع رسدنی شکاف و مدع دورا کیف وسایل تزیین است، و هر کس بخاروفی که از این نوع در مجموعه رنگوبین در موزه ویکتوریا و آلبرت موجود و راجع به دو قرن پنجم و ششم هجری (بازدهم و

دوازدهم میلادی) است نظر کنند این امتیاز را مشاهده خواهد نمود، قوام و مایه آرایش و ماده تزین ظروف نامبرده سوار خوش منظری است که براسب زیبا و اصیلی نشسته است. (شکل ۸۶)

مهارت صنعتگران شهر ری در نمایش دادن اجسام و متحرک نمایاندن آنها از همه بهتر اشکال ابرقی است که در نمایشگاه فریر Freer Gallery میباشد و عبارت از روباهی است که خرگوشی را دنبال میکند (شکل ۹۲).

بعضی از خرف سازان در رسم اشکال روی خرفهای خود از ظروف معدنی تقلید میکردند و از آن جمله ابرقی در محله پلزبری A. Pillsbury کسه راجع به اواخر قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) میشود (شکل ۹۲)

فنون و صنایع ایرانی از قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) راه دیگری پیموده و رفته رفته دقت و ظریف کاری در آنها نمایان شده است؛ زیرا در این دوره فنون کتاب نویسی رونق و پیشرفتی بخود گرفته و تأثیر مذهب کا ان و نقاشان بر سایر فنون محرز گردیده است چنانکه آثار این تطور جدید را در روی قدحی که در انجمن فنی شهر سکاگو (۱) و تاریخ محرم سال ۵۵۸۷ (۱۹۱۱ م) (۲) را دارد ثابت میشود (۳) امتیاز دیگر این قدح خطوط و دوائری است که در آن دوره برای تقسیم سطح ظرف بمناطق معمول شده بود و این خطوط و مناطق در زیبایی و ظریفی و اتزان ظرف تأثیر زیادی داشت.

در آن دوره نگار بردن حروف کوفی برای آرایش له ظروف خیلی معمول و متداول بود، و در بعضی اوقات بر اثر دقتی که هنرمندان و استادان فن در رسم حروف

(۱) A, Survey, of, Persian, Art ۴۸ رجوع شود

(۲) قدمت بن قطعه های ظروف مناکاری که تاریخ دارد ابرق کوچکی

است در موزه بریتانیا راجع سال ۱۲۷۵ [۱۱۷۹]

(۳) Pottery, of, the, Near, East R, L, Hobson : A, Gu, de, tu, the, Islamic, (۴) رجوع شود

و خطوط کوفی مینمودند خواندن آنها ممکن بود ، گاهی هم آنها را طوری رسم میکردند که از قواعد کتابت خیلی دور میشد و فقط اشکالی مینمود که ظرف را با آنها آرایش میدادند؛ گاه نیز برای تزئین خط «محقق» (۱) را در کتیبه‌های که دور ظرف را فرا میگرفت بکار میبردند .

خزف سازان شهر ری علاوه بر ظروف و سایر ادوات -وفالی کاشیهای مینا کاری نیز میساختند ولی در این کار زیاد پیشرفت نکرده اند؛ گاهی هم خشتهائی را که در دیوارهای عمارت بکار میبردند با این ماده روکش مینمودند؛ نمونه‌های از این صنعت در مجموعه کلکیان Kelekian موجود است و روی آن صورت چهار نفر دیده میشود که اطراف صورت آنها را هاله‌ای از نور فرا گرفته و یکی از آنها بر خر یا اسبی سوار است (۲) و شاید مقصود از آن حضرت مسیح علیه السلام در حال ورود به بیت المقدس باشد؛ بنا بر این احتمال میرود که نقاش با سازنده آن مسیحی باشد؛ ولی این احتمال ادعای دکتر توماس ارنولد را که میگوید عده زیادی از هنرمندان شهر ری مسیحی بوده و به همین جهت در آثار فنی خود زیاد صورتهای آدمی میکشیده‌اند ثابت نمیکند (۳) زیرا ما سابقاً گفتیم که نقاشان و هنرمندان اسلامی بکلی از کشیدن صور مخلوقات جاندار صرف نظر کرده‌اند؛ گذشته از این در آثار صنعتی بیشتر شهرهای ایران که از مراکز دیات مسیحی شرق نزدیک خیلی دور بوده است باز همین تصاویر وجود دارد در خزفهای مینائی شهر ری علاوه بر رنگ مینائی رنگهای دیگری نیز در آنها بکار رفته است ، و بهترین نمونه آن حجرات

(۱) خط محقق بتکوع از خطوط ایرانی است که حروف آن مندرس و متصل بهم میباشد

(۲) Huart : Les . Calligraphes , et . les , Miniaturist ص ۵۵ رجوع شود

(۳) A. Survey, of, Persian, Art ج ۲ شکر ۴۴ رجوع شود

کوچکی است در دارالآثار العربیه قاهره مورخ سال ۱۵۸۵ (۱۱۸۹ م) و از جمله رنگهایی که در آن بکار رفته است رنگ فیروزمای است (۱)

شکی نیست که خرف سازان شهر ری بتجدد و تنوع مصنوعات فنی خود علاقمند بودند و در تزیین بعضی از آثار خود و ابداع در رنگ آمیزی و زیبایی و ظریف کاری در اشکال آنها موفقیت شایانی یافته اند ولی از قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) متوجه نهیه محصول بیشتری شده و آثار فنی خود را بازاری و مطابق ذوق و سلیقه مردم متوسط و اصحاب ذوق عادی نموده اند، و بعضی اوقات در صدد تقلید انواع تازه ای از خرف که در سایر مراکز صنعتی ایران ساخته میشد برآمده اند، و بر اثر این پیش آمد انواع خرفهای مینا کاری شهر ری روی به پستی نهاده است.

ولی یکنوع از خرفها هست که در تاریخ فنون و هنرهای اسلامی مایه افتخار شهری شده است، این نوع از خرف از یک خمیره رنگ برنگ که از روکش سربی نیره رنگی پوشیده شده ساخته میشود و اشکال مطلوب با رنگهای مختلف از قبیل آبی و سیاه و سبز و خاکستری و قرمز روی آن قرار داده میشود و بعضی اوقات این ظروف را با مذهب کاری زیبا تر و ظریف تر مینمودند، بهر حال مشاهده میشود که فن نقاشی کتب خطی مکاتب سلجوقی در تزیین این نوع خرفها تأثیر زیادی داشته است (۲)

(۱) شماره ۹۷۷۴ دارالآثار، به Wiet : L , Exposition , persane . de

1921 Paris رجوع شود .

(۲) خرف سازان پیش از این دوره در اشکال و هیئت های محصولات فنی خود از فلز کاران تقلید میکردند و در تزیین و نقاشی آنها از هیچ ترها اقتباس مینمودند، اما در این نوع جدید که از مصنوعات شهر ری است نقاشی اهمیت مخصوصی داشته و این امتیاز از موازله بین این آثار با کتب خطی معدودی که منسوب بقرن هفتم اسلامی ایران است آشکار میگردد.

بیشتر ظروف خزفی نفیس که از این نوع است عبارت از جامهای پایه‌دار و ابریق و دوربهای مسطح و قدحهای مستدیر با ترك ترك میباشد ، و از جمله ظروفی که استعمال آنها در آن دوره معمول بود تنگهای بیضی شکلی است که دارای قاعده‌ای كوچك و گردنی باریك است و قبل از دهانه منتهی با ستوانه ای میشود (شکل ۱۰۵)

بیشتر اشکال این نوع تحفه ها عبارت از تصاویر شاهزادگان و شاهزاده خانمها و ملتزمین زنانه و مردانه آنها یا تصاویر تخبیر و میدانهای جنگ و مجالس عیش و طرب و مناظر دایری و مردانگی و پهلوانی است ، و اتفاقاً صنعتگران در این زمینه موفقیت قابل توجهی را احراز کرده اند و از جمله نمونه های زیبای این نوع تحفه یکی تنگی است که در مجموعه پاریس واتسن Parish Watson (شکل ۱۰۵) است و دیگری ظرفی است در مجموعه دکتر علی یاشا ابراهیم (شکل ۱۰۶) و جامی است در موزه لوور پاریس (۱) و يك قدحی است که در مجموعه داوید David (شکل ۱۰۲) میباشد و این ظرف اخیر باشکال و رسوم خود که عبارت از دو پرنده و دو حیوان افسانه‌ای که هر کدام دارای دو بال و صورت زنی هستند ممتاز میباشد .

خوشبختانه نام سه نفر از این هنرمندان و صنعتگران که در ایجاد این آثار نفیس شرکت داشته اند به ما رسیده و عبارتند از : علی بن یوسف که نمش روی قدحی است در نمایشگاه فریر Freer, Gallery (۲) و ابوظهر حسین که نام او روی قدح دیگری است در دار الآثار لعریبه (۳) و در صنعت از ولی پست تراست ،

(۱) به شکل ۸ از کتاب « فی النون الاسلامیه » رجوع شود

(۲) به مقاله اینگها ورن Ettinghausen ترجمه — Bulletin, et, etc, Paris

Can, Institute, for, Iranian, Art, and, Archeology ج ۵ . ن ۴۰ . ۱۹۴۷ رجوع خود

(۳) « Wiener, Engrape, der, exposition, d'art, Persan, du, Caïre » در گزارشهای

اما سومی حسین نامی است که بازنام او بر قدحی از مجموعه بارلو J.A,Barlow ثبت است (۱)

بهر حال این نوع ظروف که اشکال و رسوم آنها روی لعاب کشیده شده و معروف به (مینائی) است در نیمه قرن ششم و قرن هفتم هجری (نیمه دوم قرن دوازدهم و قرن سیزدهم میلادی) در شهر ری ساخته شده است ، و بهترین نمونه های آنرا در ویرانه های این شهر کشف کرده اند ، و یگانه نمونه این نوع خذف قدح تاریخ اریست که سابقاً جزء مجموعه ورنون و بندرد Vernon: Wethered بود و امروز در موزه بریتانیا است و از ویرانه های این شهر بدست آمده و از تاریخ آن می نماید که در سال ۶۴۰ هـ (۱۲۴۲ م) ساخته شده است (۲) .

خذف شهر کاشان :

شکی نیست که شهر کاشان در تاریخ صنایع خذف سازی و سوق کاری ایران مقامی خیلی ارجمند تر از آرا دارد که اخیراً مورخین فنون و صنایع اسلامی برای آن قائل شده اند ولی محل انکار هم نیست که معلومات ما نسبت باین شهر خیلی کمتر از معلوماتی است که از شهرهای بزرگ صنعتی ایران مانند تبریز و هرات و ری داریم ، اما برای پی بردن با اهمیت این شهر و مقامی که در تاریخ فنون و صنایع دارد کافی است که بگوئیم کلمه « کاشی » تا با امروز دلالت بر یکنوع خزفی میکند که در قرون وسطی ساخته میشده و در این شهر تهیه میگرددیده است و باقوت حموی در کتاب معجم البلدان در باره آن میگوید :

« کاشان شهر است نزدیک باصفهان که نام آن غالباً با کاشان توأم است و ظروف

(بقیه یادداشتی صفحه قبل) Mémoires Prosentés à l'Institut d'Égypte سال ۱۹۲۹ (ص ۶۰ تا ۲ رجوع شود .

(۱) به مقاله سابق الذکر اینکهاوزن ص ۴۴ رجوع شود

(۲) A Survey of Persian Art ، ج ۵ ، تابو ۱۹۶۴ رجوع شود

و آجرهای کاشانی را از آن شهر حمل میکنند و توده مردم آنرا (کاشی) مینامند^۱ علاوه بر این خطاطی و خوشنویسی و ساختن آثار نفیس فلزی در این شهر رونق داشته است ، و در خرابه های این شهر مقدار زیادی از انواع خزف بدست آمده و آثار بعضی کوره ها نیز کشف شده و تقریباً سی قطعه از خزف که در کوره فاسد شده است در آنجا پیدا شده است . و بدیهی است پیدایش این خزفها دلالت دارد که در همان شهر ساخته شده و از مراکز صنعتی دیگری وارد نشده است ، جغرافی نویسان و جهانگردان در قرون وسطی نیز استعمال خزف و کاشیهای شهر کاشان را در ابنیه و عمارات زیبای ممالک اسلامی مشاهده کرده و در کتب خود از آنها تعریف و توصیف کرده اند .

از بدست آمدن يك كتاب خطی که در استانبول موجود است معلومات و اطلاعات ما راجع بصنایع خزف سازی شهر کاشان تأیید و ثابت میشود ، زیرا ابوالقاسم عبدالله بن علی بن محمد بن ابی طاهر مؤلف این کتاب یکی از کارشناسان این صنعت بوده و کتاب خود را در سال ۷۰۰ هـ (۱۳۰۰ م) در کاشان تألیف کرده و بعضی عملیات فنی خزف سازی را شرح داده است ، و از مصادر و اصول بعضی از مواد این صنعت بحث کرده است ، این شخص در این فن اطلاعات صحیح و کاملی داشته زیرا از خاندانی است که در خزف سازی معروف و مشهور است و هنوز نام برادرش یوسف بن علی بن محمد و پدرش علی بن محمد و جدش محمد بن ابی طاهر بن ابی الحسن در بعضی از آثار نفیس خزفی باقی است (۱) (شکل ۳۲)

از جمله خزف سازی که در کاشان معروف و مشهور شده اند ابو زید و علی یسران محمد بن زید هستند که در اوائل قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) بساختن خزفهای مینائی پرداخته اند و نام ابو زید در محرابی که تاریخ سال ۶۱۲ هـ

(۱۲۱۵ م) را دارد و در شهر مشهد در ضریح حضرت امام رضا «ع» است دیده میشود، یکی دیگر از خزف سازان معروف این شهر حسن بن عربشاه است که نامش بر محرابی از کاشی مینائی برجسته قید شده است، محراب نامبرده در مسجد جامع میدان شهر کاشان بوده و فعلا در قسمت اسلامی موزه های دولتی برلین میباشد و تاریخ سال ۶۲۳ هـ (۱۲۲۶ م) روی آن دیده میشود، نام ابن صنعتگر روی آجرهائی از محراب دیگری که فعلا در موزه ویکتوریا و البرت لندن است نیز دیده میشود.

علاوه از اینها عده دیگری از خزف سازان کاشان را میشناسیم که از آن جمله علی حسینی کاشی است و امضایش بر محرابی که فعلا در موزه هرمیتاژ است دیده میشود، و دیگر حسین بن علی بن احمد است که نامش روی محرابی که در شهر نیویورک در موزه متروپولیتان است (۱) ثبت شده، سومی عبد الله بن محمود بن عبد الله است که امضائی از او روی یکی از کاشیهای موجود در حرم حضرت امام رضا علیه السلام دیده میشود و تاریخ این کاشی سال ۶۱۲ هـ (۱۲۱۵ م) است (۲).

این محرابها که نامی از آنها برده شد بدون شك از بهترین و زیبا ترین آثار فنی تمام ادوار تاریخی ایران بشمار میرود، و اگر بخواهیم از روی دقت و اتقان در صنعت و اعجاز در رنگ آمیزی که در این آثار دیده میشود داوری کنیم ناچار اعتراف خواهیم کرد که این صنعت را در قرن ششم هجری میشناخته اند فقط

(۱) Dimand : Handbook of mohammedan decorative Art ص ۱۴۱ شکل

۷۵ رجوع شود

(۲) D , M , Donaldson : Sinificant , Mihrabs , in , the , Haram

at Mashhad در مجله Art , Islamica ج ۴ (۱۹۴۵) ص ۱۴۴ رجوع شود

در آن قرن ادوار ابتدائی خود را می پیموده و در قرن هفتم بدرجه عظمت و کمال خود رسیده است.

ایرانیان در ساختن اشکال ستاره و آجرهای بزرگ از خزف مینائی نیز موفقیت شایانی بدست آورده و برای تزیین دیوارها آنها را بکار برده اند، و در خلال قرنهای ششم تا دوازدهم هجری (دوازدهم تا هیجدهم میلادی) این نوع خزف سازی رونق و پیشرفتی نموده و آن اشکال ستاره ای از جنبه رنگ آمیزی و اشکال نباتی و حیوانی و آدمی که آنها را زینت میداد یکی از شاهکارهای صنعتی و آثار فنی بسیار زیبا بشمار میرفت، و اما سایر خشتها و آجرهای خزفی که دیوارها را زینت میداد بیشتر دارای نقوش برجسته بود و با خطوط کوفی و نسخ تزیین میشد.

شهر کاشان خصوصاً بساختن آجرهای مینائی معروف و مشهور شده و این آجرها باشکال و حجمهای متنوع از قبیل ستاره ای و چلیپائی و کثیره الاضلاع بود، و در اوائل امر صاف و هموار تهیه میشد ولی بعدها یعنی از اواخر قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) با اشکال و تزیینات برجسته معمول شده است، بهرحال در روی این نوع کاشیها تزیینات مختلفی از قبیل اشکال آدمی و حیوانی و نباتی دیده میشود (۱) «شکل ۱۱۹» و تأثیر فنون نقاشی و کتاب نویسی در تمام آنها نمایانست.

از کسانی که بساختن آجرهای مینائی در کاشان اشتغال داشته اند نام سه نفر بما رسیده و عبارتند از: «اوزید» یا «بورفضه» و «فخرالدین» و «جمال الدین» و از همه

(۱) Henry Wall: The Thirteenth Century, Lustrea

Wall-Tues (The Godmen Collection) رجوع شود.

معروفتر و مهمتر ابوزید یا ابورفضه است و از آثار تاریخ داربکه نام او را دارد و یکی از آنها در دارالانار العربیه قاهره است (۱) مینماید که در اوایل قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) میزیسته است ؛ بعضی قطعه های دیگری هست که خیلی شبیه این قطعه های امضادار است بهمین جهت ترجیح داده میشود که کار این استاد باشد و قدیمترین کاشیهای متاره ای شکل جزء همین قطعات است و فعلا در دارالانار العربیه قاهره است ؛ در این کاشی که بسال ۶۰۰ هـ (۱۲۰۳ م) ساخته شده و یکی از آثار نفیس صنعتی است شکل چهار نفر زن بر روی زمینهای که بابانات گوناگون تزیین شده است دیده میشود (۲)

و از قراربکه از دو قطعه آجرهای مینائی بسیار زیبایی که جزء مجموعه دکتر علی پاشا ابراهیم و فعلا در دارالانار العربیه قاهره در معرض نمایش است برمیآید از آنوقتیکه فنون و صنایع ایرانی روشهای فنی چینی بر خورده و از آنها اقتباسهایی نموده است . یعنی از قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) خزف سازان ایرانی در خشتهها و آجرهای کاشی اشکال حیوانات افسانه ای چین از قبیل اژدها و عنقارا بکار برده اند ؛

(۱) به ص ۱۰۶ از راهنمای مختصری که وایت برای آثار موجود در دارالانار العربیه نوشته و ما آنرا بهر بی ترجمه کرده ایم رجوع شود . و به نابلو شماره ۲۹ از آن به نمایندگی فنون ایرانی که در سال ۱۹۳۵ در قاهره تشکیل گردید مراجعه گردد ؛ و به عقائد وایت در گزارشهای اجمن مصری *Mémoires Présentés à L'Institut d'Egypte* راجع بسال ۴۶ (۱۹۳۵) ص ۵ و ۶ در آنجا که اشاره بخواندن امضای « ابو زید » میکند رجوع شود ولی آقای دکتر بهرامی در کتاب خود *Recherches sur les Carreaux de revêtement Lustrés dans la céramique persane du XIIIe aux XVIIIe siècles* روضه خوانده است .

(۲) به ۱۹۳۱ Wiet : L'Exposition persane de 1931 رجوع شود

ولی ساختن این قبیل آجرهای کاشی از اواخر قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) بسمت اضمحلال رفته و از آنوقت نوع مینائی که روی خزف داده می شد بد شده و رسوم و اشکال نباتی که زمینه را تزیین میکردند و به پستی نهاده است^۱ و شاید علت این امر توجه بصنعت معرق باشد که هزینه آن کمتر و برای پوشاندن مساحت های زیادی که منظور تزیین آنها بود مناسب تر بوده است.

تصور می رود که کارخزف سازان کاشان تنها منحصر ب ساختن محرابها و آجرهای کاشی نبوده بلکه اقسام بسیار زیبا و خوش رنگ و نگاری از ظروف و سایر آلات مینائی نیز ساخته اند^۲ و بیشتر اشکال و رسوم را که در محرابها و آجرهای کاشی ساخت این شهر دیده ایم در آن ظروف نیز بکار بردند^۳ و حتی میشود بعضی از این ظروف و آلات منسوب بآن شهر را از صنعت همان هنرمندان و آستان دانست که نامش در روی کاشیها و محرابها دیده شده است.

شاید بهترین و زیباترین ظروف ساخت کاشان قدیمی باشد که در مجموعهٔ هاوهایر Haymayer است که تاریخ ۶۰۷ هـ (۱۳۱۰ م) - ختنه شده و روی آن تصویر شاهزاده ای دیده میشود که میان جمعی از زنان در باری خود نشسته است و شکی نیست که سازندهٔ این اثر نفیس از ستادین برجستهٔ اول بن فن بوده^۴ زیرا در ساختن این ظرف قدرت و مهارت صنعتی بی منتندی بخرج داده و در کشیدن تصویر شاهزاده و روشن کردن چهره و جدی دقت نموده که میتوان گفت حقیقتاً صورت يك شاهزاده حقیقی را عین داده است. در تزیین و نقش و نگار و رنگ آمیزی نیز هم قدرت و مهارت را بکار بسته است^۵ (۱)

و شاید سازندهٔ دوری معروف که در مجموعهٔ بومورفویووس Eumorphios است همین شخص و یا یکی از شاگردان او باشد (شکل ۹۷) زیرا این ظرف

(۱) A Survey of Persian Art، ج ۲، تابو ۱۹۰۹، رجوع شود.

عبارت از تصویر خسرو است که ناگهان بر سر شیرین که مشغول آب قتی است می‌رسد و آنرا با آنوضع مشاهده میکند، در اینجا خسرو دیده میشود که بر کنار آب نشسته و مبهوت منظره آن مهوش است که در آب میباشد، و در لبه ظرف کتابتی است با خط نسخ که بر اثر مرور زمان قسمتی از آن پاک شده و بعضی از آن پاک شده‌ها درباره اصلاح گردیده و wiet این کتابت و ابشرح زیر خوانده است (۱)

« (أ) لسعادة والسلامة والكرامة والنعمة... الامير
اسفهلار الكبير العالم العادل المؤيد المظفر المجاهد
نصرة الاسلام والمسلمين... الملوك والسلاطين سيد
الامراء (اسفه) سلالار الكبير العالم العادل المؤيد المظفر
المنصور... (ح) سام امير المؤمنين اعز الله انصاره
وضاعف اقتداره صنعته السيد شمس الدين الحسيني في
شهر جمادى الاخر سنة سبع وستمائه (جریه) »

خلاصه آنکه شهر کاشان یکی از مراکز بسیار نزرک و مهم صنعت خزف سازی بود و در قرنهای ششم و هشتم هجری (دوازدهم و چهاردهم میلادی) شهرت کارخانه های آن شهر سراسر کشورهای شرقی اسلامی را فرا گرفته و حتی در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) هم آن شهرت و مقام را از دست نداده است، و بهترین گواه ما در باقی ماندن شهرت صنعتی کاشان در قرن نهم وجود آجری ازکاشی است که فعلا در موزه متروپولیتن است، این کاشی که تاریخ سال ۸۶۰ هـ (۱۴۵۵ م) بر آن نوشته شده مزایای صنعتی خزف سازی کاشان را که در آثار آن نمایان است دارا میباشد و همان دقت و مهارت و استادی و زیبایی را داراست

که در آثار قرنهای هفتم و هشتم هجری مشاهده میشود -

امتیاز خزفهای لعاب دار شهر کاشان در اینست که بیشتر موضوعهای اشکال آن توضیحی است و صنعتگر هیچوقت مانند خزف ساران شهر ری بیعضی از اشکال توجه بیشتری نمیکند بلکه در يك اثر که میسازد توجه خود را بنام موضوعات که آنرا آرایش میدهد مبذول میدارد. علاوه در کاشان توجه زیادی بکشیدن اشکال فروع نباتات متصل (ارابسک) مبذول شده و با اشکال دقیقی از آنها غالباً زمینه آثار خود را پوشانده اند. همچنین در کشیدن دریاچه های پر از ماهی توجهی نموده اند و در میان اشکال و رسهائی که میکشیدند شاخه و برگ درختان را در صافهای منحنی که در نقطه های متجاور تشکیل مییافت رسم کرده و در کشیدن درخت سرو که غالباً روی آن بکنوع پرندای دیده میشود اهتمام داشته اند، اما پرندگانی را که بیشتر در ترین آثار خود بکار میبردند عبارت از مرغابی و کبوتر و سایر انواع پرندگان بوده است.

خزف سازان کاشان به ساختن ظروف و آلانی که از خمیر رنگ رنگ پوشیده از لعاب که روی آن تزیینات و اشکال در رنگهای متنوع رسم میشد نیز پی برده اند و در این راه نیز قدم گذارده اند و این نوع از خزف که معروف به «میدائی» است تا وقتی که قطعه هائی از آنرا در شهر کاشان بدست آوردند و کتاب خطی زمبرده سابق نیز در دست بود آمد منسوب و مخصوص شهر ری میدانستند اما بهرحال نمیتوان انکار نمود که همیشه شهر ری در ساختن این نوع حرف گوی پیشی داشته بوده است و خزف سازان شهر کاشان آنطور که باید در عمل آوردن آن مهارت بیشتری داشته ساخت این نوع خزف مدت زیادی در این شهر در دست است و وجود بن آفریننسی از این نوع در آن رسیده که احتمال کلی میرود که در کاشان - ختم شده باشد از آنجمله قدحی است در مجموعه ای همان Ph Lenmann که اشکالی روی طبقه له بی

دارد و اشکال آن عبارت از تصویر در شخص است که میان آنها درختی است و در دو طرف آنها دو شاخه از نباتت قرار گرفته بعلاوه تصاویر پرندگان کوچکی نیز در آن دیده میشود (شکل ۱۰۳)

در دارالانا العربیة قاهره دو قطعه کاشی مینسائی است که زمینه شان آبی فیروزه‌ای و «فروع نباتت گلدان طلاکاری که کمی برجسته است تزیین یافته و در یکی از آنها تصویر دو سوار است که ماهی سواری خود را بسط چپ می‌رانند» و بر روی کاشی دومی تصویر بهرام گور با معشوقه‌اش در نخبجیر دیده میشوند که در شتری سرخ موی کمی مایل بقهوه سوار هستند و در دست شاه‌کمانی است که آنرا بزم میکند و معشوقه‌اش عقب او سوار شده مشغول تار زدن است و (۱) این اثر نفیس از کارهای قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) است

در اینجا بیاید بیست به خرف‌نی که اشکال آنها تا حدی برجسته است و غالباً مذهب‌کاری است شاره‌ای شود زیر این نوع خرف خیلی نباتت دو قطعه آجر سابق لذار دارد و حتی قوی می‌رود بیشتر ظروفی که باین طرز ساخته شده مصدرشان شهری بوده است و شاید بعضی از آنها را در شهر کاشان و ساره - خنده باشند

یک نوع خرف دیگری هست که ساخت آن منحصر بشهر کاشان نبوده ولی ترجیح میدهد که در این شهر بوجود آمده شد و بربطه فنی قوی با آن شهر داشته باشد و زین نوع است یکنفسه خرف سی زربینخی رنگی که اشکال و رسوم آن با رنگ سبزه صاف و سرخ روی طبقه امی نقش شده است و بیشتر این اشکال تزیینی

۱) در این مورد منحصراً که ای دارالانوار العربیة نوشته شده رجوع شود به ... Wiet آلمانی کرده و دکتر راکو حسن عربی رجوع کرده است

از نباتات و اشکال هندسی و مخصوصاً نقطه ها و دوائر و فروع نباتی متصل بهم (ارابسك) تشکیل یافته و گاهی تصویر ماهیهای که مشغول شناوری هستند در میان آن اشکال دیده میشود، و از نمونه این نوع خزف قدحی است در مجموعه هاردینگ Harding در لندن (۱)

از انواع دیگر خزف که ساختن آن در قرنهاي پنجم و هفتم هجری (یازدهم و سیزدهم میلادی) معمول و متداول شده یکنوع خزف سبز کم رنگ مایل به آبی است که نقوش سیاه رنگی روی آن کشیده میشود است، و بدین شک در شهر کاشان ساخته میشود، گرچه احتمال میرود که خزف سازان شهر ری نیز بعضی از اقسام آنرا ساخته باشند.

قسمت داخلی بن نوع از خزف باطوقی تقسیم میشود که در قاعده ظرف مجتمع میگردد و هر کدام را آنها را حشیه ی زکات است ز دیگری جدا میساخت (۲) و میتوان گفت بهترین نمونه این نوع ظروف برقی است که در دوزه متر و بولیتان پوربورک است که سطح خارجی مهبکی دارد و اشکال تریبونی آن عبارتند از آهو و سگهای شکاری و حیوانات لداری که صوت آبی دارند (۳) و در بن آن رقم ۶۱۲۰ (۱۵۰۱۵) دیده میشود.

در مصر اثر نفیس و زیبایی دیگری هست که شبیه ظروف ابرده است و آن بریقی است که در سال ۵۶۲ هـ (۱۱۶۷ م) ساخته شده و سر آن بهیشت سر خروسی است و جزء مجموعه آثار باستانی دکتر عسی پند رهیب است (شکل ۱۰۱) و بدیهی است ساختن يك چنین آثاری لازم است مهارت و استعدادی بی نظیر است

(۱) به Koechian, und Migeon : Islamische Kunstwerke : او ۲۹ رجوع شود

(۲) به A. Survey, of, Persian Art, ج ۵، نالوهای ۹۷۴۴ و ۹۷۴۵ و ب و ۷۴۶

۷۴۷ و L. Exposition Persane de 1931 : ج ۱، تبار ۲۹ رجوع شود

(۳) به A. Survey, of, Persian, Art, ج ۵ نابلو ۷۴۸ رجوع شود

زیرا مشبك ساختن سطح خارجی آن و ترتیب نقوش و اشکالی در آن بدون شکسته شدن یا ضایع شدن ظرف و همچنین پختن در کوره بدون آنکه کج و معوج شود و یا هیئت خود را از دست دهد از شاهکار های فنی است که دقت و مراعاتت زیادی لازم دارد (۱)

علاوه بر انواع و اقسام ظروف و غیره در میان آثار زیبای خزفی ایران مجسمه حیوانات و پرندگان و اشخاص در حال نشستن زیاد دیده شده است و در مجموعه دکتر علی یاشا ابراهیم چند قطعه از این آثار موجود است ، در دارالانار العربیه نیز مجسمه پرنده ای از خزف آبی رنگ هست که دارای خطوط تزئینی سیاهی است (شکل ۱۱۱) و از صنایع قرن هفتم هجری (سیزدهم میلادی) است . و در همان محل شتر آبی رنگی نیز موجود است (۲) و در موزه دانشگاه پرینستون Princeton مجسمه کوچکی است که یک نفر مغولی را در حالی که نشسته و یک بطری با دو دهانه در دست دارد نشان میدهد (شکل ۱۰۸)

خزف یکرنگ شهرهای ری و کاشان:

شاید معمول ترین انواع خزف در دوره های مغولی و تیموری خزفهای سبز رنگ و آبی رنگ ، عمدتاً احتمال قوی میرود که محصول کارخانه ها بعدی زیاد بوده است که ظروف نامبرده در دسترس طبقات مختلف مات بوده و همه آنرا استعمال میکردند . در این نوع خزف علاوه بر ظرافت و خوش ساختن خیلی زیبا و مطلوب بوده و دلالت بر مهارت فنی و حسن ذوق میکرد و شاهد حقیقی بر اطلاع

(۱) رجوع به قطعه از خزفهای مذکور به ج ۲ ، ص ۱۶۱۲ از مصدر - قی ذکر رجوع شود

(۲) احتمال کلی میرود این عطر چنانکه در صفحات بعد نیز خواهد آمد از آثار صحنی نفیس و زیبایی شهر ساوه باشد

سگنران بر موز قنی و طریقهٔ روکش کردن ظروف با لعابهای مخصوص و پختن آنها در کوره بود.

در بارهٔ رنگ آمیزی میتوان گفت ذوق و سلیقهٔ خوبی بکار رفته و دامنهٔ رنگ آمیزی وسیع بوده و رنگهای سبز و آبی را با تمام درجات آن بکار برده اند علاوه بر این گاهی رنگهای زرد و سفید و ارغوانی نیز استعمال میشده است. اما اشکال و تزیینات این نوع خزف غالباً بر جسته و مشبك و عسارت از حیوانات و پرندگان در فروع نباتی و حواشی از کتابتها و خطوط بود. و از این نوع خزف طبقهائی دیده شده که در زمینه آنها تصویر آب و ماهیهائی است که در آن شناور هستند (۱) و احتمال می رود تقلید بکنوع طبقهائی باشد که در دوره «سنگ» در کشور چین ساخته میشده است (۲)

و از این خزفهای ماهی دار دو عدد دوری بسیار زیبا در مجموعهٔ دکتر علی یاشا ابراهیم موجود است و رویتهم رفته میتوان گفت مجموعهٔ نامبرده دارای نمونه های زیبا و نفیسی از خزفهای يك رنگ ابرائی است (شکل ۱ و ۱۰۰) از خزفهای بی مانند و عجیب شکلی که عددی از این خزفهای بکرانگ ساخته میشد قطعه هائی است بشکل خانه که غالب بدون سقف است و در میان آن بعضی اشخاص گرد ظرفی و یا درخت سروی دیده میشدند و دیوارهای این نوع تعف با اشکال برجسته ای از حیوانات درنده و یا حلقه های متعدد تزیین میشد (۳) و آنکه ما این نوع نحوه هارا دیده ایم بطور محقق امیدیم برای چه منظوری ساخته میشده و فقط احتمال می رود که برای بزبچهٔ اطفال بوده و شاید هم تصویری ز بعضی جشنهای برائی باشد که

(۱) ج ۵، ص ۱۷۶۹ از مصدر سابق الذكر رجوع شود

(۲) حدوداً سنک از سال ۹۶۰ تا ۱۱۲۷ میلادی در قسمت شمالی چین

و از سال ۱۱۲۷ تا ۱۱۷۸ میلادی در جنوب چین حکومت کرده است

رابطه‌ای با فسانه‌های هیبت قدیم آنها دارد .

خزف شهر ساوه :

ساوه بر سر راه کاروان رو مغرب بمشرق قرار گرفته و در جنوب غربی شهر ری واقع است ، و مسافت میان آن و همدان از طرف مغرب و کاشان از طرف جنوب مساوی است (۱) و در این شهر مقدار زیادی از خزفهای لعاب صدفی دار که قدیمترین انواع آن راجع بقرن چهارم هجری (دهم میلادی) است کشف شده و از جمله دو قطعه خزف بدست آمده که در کوره فاسد شده است و از روی این آثار میتوان گفت در شهر ساوه کارخانه و کوره های خزف سازی و خزف پزی بوده و خزفهایی که در آن شهر بدست آمده ساخت همین شهر بوده است ، بعد از آن نیز مقادیر زیادی از انواع دیگر خزف در آنجا کشف شده است ، و ازقریبکه گفته میشود در ویرانه های این شهر آثار کوره های متعددی کشف شده که از روی آنها میتوان بمقام و همیت فنی شهر ساوه در صنایع خزف سازی پی برد .

روشهای فنی و صنعتی این شهر در خزف سازی چندان با روشهایی که در شهرهای ری و کاشان دیدیم تفاوت و اختلافی ندارد ، فقط میتوان گفت خزف - زان ساوه اصول و مواد و عناصر تزئینی را که ظروف خزفی شهرهای ری و کاشان بهم متمایز بود در صنعت خود بکار برده و از مجموع آنها استفاده کرده اند ، یکی ز آثار صنعتی نفیس شهر ساوه قدحی است در مجموعه اوسکار رافائیل Oscar Raphael که تاریخ آن سال ۵۸۳ هـ (۱۸۷۱ م) را نشان میدهد و ری آن شکل چند خانمی است در باغچه خرمی که در برابر آنها دریاچه آبی است و ماهیهای چندی در آن شناور هستند (شکل ۹۴)

(۱) Le , Strange : The , Lands , of , the , Eastern , Caliphate ۴ ص ۲۱۱

از جمله آثار دیگر این شهر ابریقی است در نمایشگاه فریر ^{F rryegelai}

که از صنایع اواخر قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) است و اشکال و تصاویر آن عبارت از چند خانم و مرغابی و برگهائی است که روی آنها نقطه‌هائی دیده میشود و شاید همین طرح بهترین گواہ وجود رابطه قوی بین خزف سازی کاشان و ساوه باشد (شکل ۹۶)

مقداری نیز از مجسمه های خزفی که بعضی حیوانات و پرندگانرا نمایش میدهد باین شهر منسوب است و از جمله آنها مجسمه شیری است که روی پاهای عقبی خود نشسته و دارای لعاب آبی رنگ فیروزه ای است (شکل ۱۱۲) این مجسمه فعلا در مجموعه کیورکیان ^{keyurkian} است و دیگر مجسمه شتری است برنگ آبی که بشماره ۱۴۳۵۸ در دار الآثار العربیه قاهره است این دو اثر زیبا تنها از آثار و شاهکار های صنعتی نیست بلکه بهترین گواهی است بر مهارت و استادی صنعتگران در ساختن این انواع مجسمه ها.

خلاصه آنکه شهر ساوه مرکز مهمی برای خزف سازی بود و احتمال می رود که خزف سازان آنجا بروش همکار های خود که در ری و کاشان بودند کار می کردند و همچنین احتمال می رود که بعضی از آنها در شهر های ری یا کاشان زندگی میکردند و بعد برای کسب روزی و یا بر اثر فرار از مغولها بساوه آمده اند.

خزف سلطان آباد:

در دو قرن هفتم و هشتم هجری (سیزدهم و چهاردهم میلادی) شهر ساوه آبادیهای چندی در اطراف شهر سلطان آباد داشت که صنعت خزف سازی معروفیت قابل توجهی داشت و هیئت های حذری در زیر نهادهای این بادیه، مقدیر زیادی زیادی خزف کشف کرده اند و بطور مختصر آنها را بشهر ساوه نسبت میدهند. در میان این آثار نمونه های زیاده یافت شده که خزفهای ساختمانی شده شهر کاشان است. اینها هیچ مدتی از زرشم و خزف ساوه شهر ری در میان

آنها دیده نشده است .

بعلاوه دیده میشود که لعاب ظروف منسوب به سلطان آباد بیش از سایر انواع خزف های ایرانی که از این جنس است رنگ قوس و قزحی بخود میگیرد و امتیاز دیگری که در خزف سلطان آباد هست شکل و هیئت ظروف آنست و از آنجمله اشکالی است که بعضی از قدحها داشته اند که در سایر قدحها دیده نشده و از این رو میشود گفت این شکل و هیئت در ظروف از مشخصات شهر سلطان آباد بوده و در سایر شهرها و مراکز صنعتی ایران معمول و مرسوم نبوده است؛^(۱)

امتیازیکه خزفهای ساخت سلطان آباد بر خزفهای سایر مراکز فنی دارد عبارت از اقتصار بر رنگهای معدود و دقت در کشیدن اشکال حیوانات و توزیع رنگها میباشد بطوریکه خیلی مشکل است رنگ زمینه را از رنگ اشکال تمیز داد و شاید توجه و دقت در کشیدن اشکال حیوانات بطوریکه با اشکال طبیعی آنها تفاوتی ندارد از نتایج تاثیر خاور دور در این فنون و صنایع باشد . بهر حال خزف سازان مصری نیز در دوره مملوکها روش همکاران سلطان آبادی خود را پیش گرفته و خزفهای زیبایی که با اشکال پرندگان و حیوانات رنگ برنگ مزین بود و زیر طبقه مینائی وقع میشد بوجود آورده اند^(۲)

خزف سلطان آباد در صفای رنگ و تناسب و اوزان نیز ممتاز میباشد اما باید در نظر داشت که نمیتوان تمام خزفهای منسوب باین شهر و شهر ری را از آثار صنعتی این شهرها دانست و قطع کرد که در آنجا ساخته شده اند زیرا اگر چه این دو شهر در قرون وسطی دارای شهرت زیادی شده اند اما نباید فراموش کرد که شهر های کاشان و ساوه و نیشابور نیز از مراکز مهم صنعتی بوده اند و برای پی

(۱) «Survey of Persian Art» ج ۵، تابلو ۱۸۷۱، ص ۱۰۷، رجوع شود

(۲) ص ۲۹۷، راهنمای دارا آثار العربیه رجوع شود

بردن با اهمیت صنعتی شهرهای اخیر کافی دست که بگوئیم علمای آثار در شهری فقط آثار بیک کوزه خرف سازی را کشف کرده اند در صورتیکه فقط در شهر کاشان ویرانه های پنج کوره کشف شده است و از کار شهابی که در بعضی شهر های ایران شده ثابت گردیده است که دائره انتشار صنعت خرف سازی خیلی وسیع بوده و اغلبی از انواع خرف مخصوص بیک شهر نبوده است خصوصاً که کشف شدن آثار کوره ها و بدست آمدن قطعات خرفی که در کوره فاسد شده است ثابت میکند نمونه هایی که در یکی از مراکز صنعتی فاسد شده ساخت همانجا است و از شهر یا مرکز صنعتی دیگری وارد نشده است

و برای مثال کافی است که بگوئیم در شهر سلطانیه که پایتخت سلطان محمدخدا بنده معروف با ایجاد شده . و این پادشاه در آن کاخها و عمارات و انبیه عظیمی ساخته است صنعت خرف سازی رواج و رونق بسزائی یافته و انواع بسیار خوبی از خرف ایران در آن به عمل آمده است ولی این نوع خرف اختلافی نتیجه در سایر مراکز ساخته میشود نداشته است

هر حال باید اقرار کرد که خرف سازان شهر سلطان آباد خرفهای بسیار و برق زیبائی بوجود آورده اند که تمیز دادن آن از خرفی که در شهر کاشان ساخته میشود خیلی دشوار است

با وجود این بکنوع خرف بوده که مخصوص شهر سلطان آباد شده و در صنعت خرف سازان این شهر شماره است و آن خرفی است که شکاف آرینی آن با رنگ سیاه یا خستری روی طبقه سفید رنگی قرار گرفته و بالای آن شکاف یک روکش سفیدی است و گاه میشود این اشکاف در عوض فدری سفیدی ریخته است و بیشتر این رسوه و اشکاف از گلهای لوتس و سرکه درختان تشکیل یافته و بعضی اوقات روشهای چینی در صنعتگران تأثیر نمایی کرده و شکافی از یک مکان روی این نوع

از خزف کشیده اند و مصریان نیز در دوره مملوکها از این روش تقلید کرده اند ،
 از بهترین انواع خزف منسوب بسطان آباد خزف کوچکی است در مجموعه
 یومورفو پولوس Eumorfopoulos (شکل ۱۱۴) و امتیاز این اثر نفیس در این
 است که دائره تام نیست و در بدنه اش نگینهای برجسته ایست و اما در زیبایی و دقت
 در ساخت و اعجاز در اشکالی که آنرا زینت می دهد یکی از شاهکار
 های فنی بشمار میرود اما اشکال آن عبارت از تصویر دو شخص است که
 گویی با هم صحبت میکنند و با از روی کمال اهتمام چیزی را بررسی میکنند بهر
 حال این اثر نفیس از شاهکارهای قرن هشتم هجری (چهاردهم میلادی) است
خزف دوره صفوی

سراسر این دوره عبارت از پیشرفت و رونق صنعت خزف سازی ایران
 بشمار میرود ، و طرف این دوره باشکال بدیع و متنوعی که دارد و با توجه و دقتی که
 در اشکال و تزئین آنها بعمل آمده و نظریف کاری و ذوق سلیمی که در ساختن آنها
 و انتخاب رنگ بکار رفته است ممتاز میباشد ، در این دوره خزف سازان ایران عموماً
 و اصفهان خصوصاً در بکار بردن رنگ زرد موفقیت شایانی داشته اند و در
 بکار بردن يك رنگ تنها در ظروف نیز پیشرفت مهمی کرده اند و بطوری
 در آن مهارت داشته اند که با کمال دقت آنرا استعمال میکردند و در منتهای صافی
 و شفافیت از کار در می آورده اند بطوریکه از دیدن آثار آنها و مهارتی که در این
 راه نصیبشان شده است بی اختیار شخص بیاد خزف سازان چینی و مهارتی که در این
 میدان داشته اند می افتد ،

احتمال قوی میرود که در این دوره نقاشان معروف ایران اشکالی را که
 ظروف خزفی آنها تزئین میشد تهیه مینمودند و همین جهت آثار خزفی دیده میشود
 که اشکال بعضی از آنها نقاشی محمدی است (۱) و از برخی دیگر آثار نقاشی رضا
 عباسی و یا یکی از هنرمندان و نقاشان که اسلوب و سبک رضا عباسی در او تأثیر
 داشته است دیده میشود

در اوائل دوره صفوی بزرگترین مراکز صنعتی خزف سازی ایران شهر های اصفهان کاشان یزد مشهد شیراز کرمان زرد بوده است^۱ در این دوره بکنوع خزف لعاب صدفی، داری در شهرهای کاشان و اصفهان و تبریز ساخته میشد که می توان گفت از مختصات همین دوره است و بیشتر این ظروف از نوع ابرقتهائی بشکل گلابی (مخروط) و باقدحهای گود بوده و اغلب نقوش و اشکال آنها را گیاه و گل و سنبل تشکیل میداده و تصاویر آدمی در این نوع ظروف خیلی بندرت دیده می شده است.

اما زمینه این ظروف عاجی و یا آبی کم رنگ بوده و اشکال تزینی آنها با لعابهای صدفی سرخ یا زرد طلائی پوشیده میشد. این لعاب فوق العاده براق و درخشنده بود بطوریکه در ظروف دارای رنگ طلائی زیبایی بود که چشم را خیره میساخت. صنعت این نوع از ظروف که با لعاب صدفی روکش شده در اواخر قرن دهم و در قرن یازدهم هجری (اوائل قرن شانزدهم و در هفدهم میلادی) رواج یافته و مقادیر زیادی از آن ساخته شده است.

آنچه از خزفهای ساخته شده دوره صفوی که دارای لعاب صدفی است دیده شد، همه دارای زمینه ایست که با بکرنگ پوشیده شده و غالباً سفید یا آبی آسمانی و یا زردایسورتی و یا سبز، ز میباشند و ام نقوش و تزینات در زمینه صرف روی طبقه لعاب صدفی قرار میگیرفت و بیشتر اشکال این نوع ظروف عبارت از گل و درخت و گیاه میباشد.

از این نوع خزف قدیمی در موزم بریتانیا هست که امضای صنعتگر (حنیم) را دارا میباشد (۱)

بهر حال احتمال زیادی می‌رود که بیشتر آثار نفیس و معروف این نوع
خزف راجع بقرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) باشد،
ولی ویژه‌ترین انواع خزف که بدست خزف‌سازان دوره صفوی ساخته شده
یکنوع خزف سفیدی است که تقلیدی از خزف خاور دور (چین) بوده و اشکال تزیینی
آن بیشتر آبی و زبر طبقه لعابی قرار گرفته بود.

علاوه بر این ایرانیان در ساختن ظروف چینی و بکاربردن رنگهای ملایم
و اصول تزیین چین از مردم آن کشور پیروی و تقلید کرده اند و از این قبیل ظروف،
قدحها و طبقهای بزرگی با رنگهای آبی و سفید ساخته اند و بقدری در آن دقت
و مهارت به خرج داده اند که در وهله اول بنظر میرسد از صنایع چین میباشد (۱)

آنچه معروف است اینست که شاه عباس (کبیر) عده زیادی از خزف
سازان چینی را با خانواده‌هایشان برای ترویج و تعلیم چینی سازی بایران آورد و باین
وسیله قصد داشت اولاً این صنعت در ایران رواج گردد و ثانیاً ایرانیان مقادیر
زیادی از آثار بخارج بفرستند و باین واسطه اموال زیادی که برای خرید آن بخاور
دور (چین) میرفت عاید ایران گردد و ظاهر این عده از صنعتگران در اصفهان
سکونت کرده اند و طولی نکشیده که اخلاق و عادات محیط و یا بعبارت اخیری آب
و هوا در آنها تأثیر کرده و در آثار صنعتی آنها بعضی موضوعهای تزیینی ایرانی
داخل شده است و یا بطور واضحتر صنعت آنها لداس ایرانی در بر کرده و بشکل

مده

یکی ز جهانگردان نقل میکند که در اوایل قرن شانزدهم میلادی (دهم
هجری) دو نفر از تجار چینی در اردبیل دکان داشته و مشغول کسب و

و تجارت بوده اند (۱)

پادشاهان صفوی از زمان شاه عباس بیحد يك مجموعه (سرویس) بسیار مهم و بزرگی از خزف چینی را جمع آوری کرده و در ارغیل در مقبره شیخ صفی الدین نگاهداری کرده اند.

بهر حال باید گفت که خزف سازان ایران از نیمه قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) در ساختن خزفهای سفید رنگ و آبی رنگ موفقیت قابل تقدیری داشته اند و بهترین گواه این امر سه قطعه از آثار نفیس آن دوره است که خوشبختانه هر سه دارای تاریخ میباشد؛ یکی از این سه قطعه ابرقی است که تاریخ سال ۹۳۰ (۱۵۲۳) را دارد و فعلا در موزه ویکتوریا و آلبرت است (۲)

دومی قرصی است که تاریخ سال ۹۷۱ (۱۵۶۳) و نام سازنده آن (عبد الواحد) را دارد و در قسمت اسلامی موزه های دولتی برلن است (۳)

سومی آجری است تاریخ ۱۰۰۱ هـ (۱۵۹۲ م) و امصی محمد رضا امامی روی آنست و در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن میباشد

و از قطعه های زیبا و نفیس این نوع خزف تنگ خریف کوچکی است در قسمت اسلامی موزه های دولتی برلن و روی آن تصویر شیر افسانه ایست که شعله آتش از سرشانه هایش متصاعد است (شکل ۱۱۷) این نوع تصویر روی بعضی ز قالیهای قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) نیز دیده شده است و دیگر از نمونه های نفیس این نوع خزف مجسمه مرغابی است که در مجموعه (کاسیون)

۱ - A. Olearius: voyage très curieux et très renommé. Leyden. ۱۷۱۹

۲ - E. tinghausen: Important pieces of persian potter y. in. London collections. در مجله Ars Islamica ج ۴ (۱۹۳۵) ص ۳۰۵۴ شکل ۱۴ رجوع شود

۳ - Ku hnel: Dabtierte Persische Fayencen Jahrbuchber Asiat. Chn. kunst در ۱۹۴۴ ص ۴۹ و ۱۰ رجوع شود

سبز ونگوال Mrs. kennth, Dihgw است (شکل ۱۱۶)

در دوره صفوی یکنوع خزف دیگر که منسوب به قریه کوچی دانستان است ساخته
میشده (شکل ۱۱۸) که دو قسم بوده است: قسم اول با رنگهای سیاه و سبز یا آبی
بوده و قسم دوم رنگهای متعددی با تصاویر آدمی داشت و از بعضی قطعه‌های تاریخ دار
که آن میرود که قسم دوم را باید از صنایع قرن یازدهم هجری (هفدهم میلادی) دانست.
و چون معروف است که مردم کوچی باسلحه سازی و ساختن آلات و
ادوات فلزی اشتغال داشته و توجهی به خزف سازی نداشتند احتمال قوی می‌رود این
نوع از خزف که نمونه هئی از آن در آنجا بدست آمده است ساخت خود آن
ناحیه نبوده و از ایران بآنجا وارد شده و در برابر بهای اسلحه و سایر مصنوعات
فلزی که بایران میداده اند آن خزف را می‌گرفته اند. ولی اگر از ساختن آن
معروم بوده اند با اهمیت صنعتی اش پی برده و خیلی آنرا عزیز و گرامی میداشتند و
در منازل خود آنرا بدیوارها میزدند و اطرافهای خود را با آن زینت میدادند،
شاید زیباترین انواع این خزف طبقه‌های نازکی باشد که دارای تزیینات سیاهی
است که در زیر روکش لعابی سبز فیروزه‌ای که ظرف را فرامیگیرد قرار گرفته است، و
پس از آنها طبقه و آجرهائی است که اشکال تزیینی آنها با رنگهای گلی یا زرد
یا آبی یا سبز روی طبقه سفیدی کشیده میشده است اما بطور کلی میتوان گفت ظروف
منسوب به کوچی در رنگ و لعاب و حتی در اشکال مگر خیلی کم و نادر ممتاز
بوده است

ایرانیان دوره صفوی مخصوصاً در اصفهان در خزف سازی (سیلاودن) (۱)

(۱) سیلاودن یکنوع چینی است که دارای طاقچه‌ای از مینای سبز میباشد

ساخت چین مهارت داشته و از آن تقلید کرده اند و در این راه موفقیت شایانی خصوصاً در قرن یازدهم (هفدهم میلادی) نصیب آنها شده است. خلاصه آنکه در دوره صفوی تأثیر خزف ساران چین در صنعتگران و همکاران ایرانی خود زیاد بوده و ایرانیان در چینی سازی بطوری پیشرفت کرده اند که در فرستادن این کالا با اروپا کاملاً با چین رقابت مینمودند.



منسوجات

از دوره هرودوت شهرت منسوجات ایران عالمگیر بوده و مردم رم برای خریداری آنها مبالغ گزافی میداده اند، پس از آن بیزانسیها شروع بتقلید از این منسوجات کرده اند، در دوره ساسانی فن بافتندگی ایران باوج عظمت و منتهی درجه ترقی و رونق خود رسیده، و از آن دوره بعضی پارچه های ابریشمی بما رسیده است که بهترین نمونه از ترقی این صنعت در آن دوره میباشد اما اشکال و رسمهای تزئینی در این پارچه ها از مجموعه های دوائر و اشکال هندسی دیگر و تصاویر حیوانات یا پرندگان و یاسوارانی در حال شکار میباشد، این اشکال بطور متقابل و یا درحالی که پشت بهم داده اند در کمال ترتیب و دقت فنی بافته شده و در میان حیوانات متقابله غالباً سیاه قلمی دیده میشود که تقلید از شکل طبیعی درختی است (۱)

معروف است که چینبها این نوع پارچه های ابریشمی ساسانی را می پسندیدند و فرمانداران شهر های واقع بین ایران و چین و مرز داران چینی این پارچه ها را ب نام کربت و مالیت ب پادشاهان و خاقانهای چین تقدیم میکردند و حقیقت امر این است براینکه در آن دوره در رنگ آمیزی منسوجات موفقیت شایان و غیر منتظری را کسب کرده اند، بطوریکه تناسب و آرامی و مطبوعی این رنگها عظمت اشکال را ب خوبی نمایان میساخت و به پارچه بکنوع جاذبه و زیبایی غیر قابل وصفی می بخشید.

صدر اسلام:

چون ایران بدست مسلمانان افتاد و دوره پارسانی و ترك ملاذ که در ابتدای ظهور اسلام شیوع داشت سپری گردید و عرب و سایر ملل متمدن آ میخته شدند

هنر و صنعت پیشرفت کرده و صنعت در سراسر کشور اسلامی توجهی خاص شد و توجه خلفاء و امرای این صنعت موجب رونق آن گردید زیرا اینها صنایع و خلعت‌های کانیها و پارچه های ابریشمی سرداران میدادند و همین امر موجب زیبایی منسوجات و پیشرفت این صنعت میشد.

ایران از این موقع استفاده خوبی کرد و در آمدن قسمت بزرگی از خاور نزدیک با اختیار مسلمانان و ایجاد وحدت حکومت در آن در پیشرفت صنعت تأثیر بسزایی داشت ، بر اثر آن بازار تجارت در ایران انبساط یافت و منسوجات ابریشمی آن بسایر اقطار و اسلامی و شرقی حمل شد ، و گمان قوی میرود که دسته اشرافی در دوره بنی امیه و بنی العباسی اقبال زیادی نسبت به خریداری منسوجات ایران داشته است (۱)

بهترین دلیل بر رونق صنعت بافتندگی و پیشرفت آن در صدر اسلام در کشور ایران این است که برخی از شهرهای ایران کزبیت و مالیات خود را مقدار از پارچه ها و منسوجات قیمتی می پرداخته و این خرد ادبه در کتاب (المسالك و الممالك) و یعقوبی در کتاب (بلدان) و ابن فقیه در کتاب (البلدان) و ابن رسته در کتاب (الاعلاق النفیسه) و مسعودی در کتاب (مروج الذهب) و ابن صخری در کتاب مسالك الممالك و ابن حوقل در کتاب (المسالك و الممالك) و مقدسی در کتاب (احسن التقاسیم) و یاقوت حموی در کتاب (معجم البلدان) و عدد دیگری غیر از اینها در عربی و توصیف صنعت باجی و بافتندگی شهرهای ایران

۱) صاحب الاغانی میگوید که کزبه کنیزک عینی از لیبیا عرصه شایسته اش عربانه ن
عرو در زمان " اسدراجع بریان خودش نیامد و جور عرصی میداد در حش عمت :

عصفا من الابل رطب طله الذبه

اشی که حرکت ریح نماید

لعو هداها - اثر قدسی

فی حله عن طرناوس مشراه

و در بیت دوم چنانکه دیده میشود شماره پارچه‌های سرانهای شهر و شایسته که رنگهای

آن بهمدیگر آمیخته میشده ، جرد اول اتانی چاپ در المکتب العصری ، ص ۲۸۸ - ۲۸۹ رجوع شود.

و خصوصاً شوشتر، مفصلاً قلم فرسایی کرده اند و از جمله اصطخری در باره آن شهر
 میگوید مرکز مهم و بزرگی برای دیبا بود که بنواحی مختلف عالم صادر میشد (۱)
 و از آن پارچه پیراهن کببه دوخته میشده است و پس از شوشتر اصفهان و ری و
 نیشابور و قزوین و یزد و کاسان و آمل و مرو و کازرون و شیراز بودند که در تمام
 آنها پارچه های ابریشمی و نخی و پشمی بافته میشده و در سراسر قرون وسطی
 شهرت این منسوجات در عالم منتشر بوده است (۲) و ظلاوه بر ممالک اسلامی این
 کالای بی مانند در بازارهای کشورهای عالم آ نروز رواج کلی داشته است
 مسعودی و یاقوت گویند که شاپور ذوالاکتاف (شاپور دوم ۳۱۰-۳۷۹)
 حمله به بین النهرین و آمد (دیار بکر) و سایر شهرهایی که در آن وقت تابع امپراتوری
 روم بود حمله برد و عده زیادی از بافندگان آن نواحی را بایران برد و در خوزستان سکونت
 داد این عده در آنجا ماندند و بر اثر توالد و تناسل زیاد شدند و از آن تاریخ
 صنعت بافندگی در خوزستان رونق گرفت و معمول و شایع گردید، خیلی مایه تاسف
 است که نوشته های مورخین در این خصوص آن فایده منتظر را، ما نمیدهد زیرا از
 روی آنها نمیتوان انواع منسوجاتی را که در صدر اسلام در ایران بافته و تهیه
 میشد بشناسیم و از مراکز مهم پارچه بافی آن دوره اطلاعات کافی
 بدست آوردیم

(۱) مخازن فرش و لباس کلخهای فاطمیهای مصر در ضمن آثار پر بها و نفیس خود
 برده ای از ابریشم آبی داشت صکه یا تار و بود طلا و ابریشم در سال ۵۴۵۴ (۹۶۴ م) بامر
 المعز لدین الله خلیفه فاطمی در شوشتر بافته شده و مشتمل بر نقشه عالم و صورت اقالیم و کوهها و
 دریاها و شهرها و رودها و راههای آن بوده (بهج ص ۴۱۷ از خطاط مقریزی کتاب الفاطمیون
 فی مصر، تألیف دکتر حسن الراهیم حسن ص ۲۵۷ رجوع شود

(۲) A, surVejo, ox, persian, Art 4, ج ۳ ص ۱۹۹۶ بعد و به wiet: L. EXposition, persan, de, (1931

نمونه و شاید برای جمع بین روشهای تریبمی دوره ساسانی و اسالیب جدید قرنهای
اولیه بعد از هجرت دانست

از منسوجاتی که منسوب به آثار صنعتی قرن دوم و چهارم بعد از هجرت
(هشتم و دهم میلادی) ایران است بکثرت پارچه‌های ابریشمی است که اشکال و
تصاویر حیوانانی با خطوط منکسر و زوایای ظاهری دارد. و عالم معروف انگلیسی
سیرا اورل شتاین Aurelstein در کاوشهایی که در ترکستان چین (کاشغر) نموده پارچه
هایی شبیه این نوع بافته منسوب بایران آورده است و معتقد است که از
کارهای ترکستان غربی و خصوصاً سمرقند و بخارا میباشد.

از نوع منسوجات ایرانی منسوب بان دوره پارچه‌ایست از ابریشم و ینبه
که سابقاً در فرانسه در کلیسای سن زوش saint, Josse واقع در قریه ای در نزدیکی
کاله بوده و امروز این تحفه نفیس و اثر گرانبها در موزه لوور پاریس است. و روی آن
این کتابت دیده میشود:

«عزو اقبال للقائد ابن منصور بختکین اطال الله بقا (۱ هـ)» (۱) و شاید
منظور سرداری باشد که در دربار عبدالملک بن نوع سامانی امیر خراسان و ماوراءالنهر
است که فرمان این امیر سامانی زندانی شده و در سال ۳۴۹ در (۹۶۰ م) بقتل
رسیده است (۲)

اشکال و تزیینات این پارچه قعاش عبارت از فیلهای بزرگ و تصاویر
طاوس و چندهتر است که در حاشیه آن است. از این پارچه نظوریکه در قرن چهارم
هجری (دهم میلادی) در طرز تریبمنسوجات حاصل شد نمایانست و معلوم میشود

۱ Répertoire chronolog. et epigraphie, arabe ج ۴ : شماره ۱۵۰۷ ص ۱۵۴

۲ تاریخ ابن البرج ص ۸ ص ۲۹۶ و w.Barthold : Turkestan, down, to, the, Menges

ص ۲۵۰ و ۲۵۱, pers. Art, ج ۳, ص ۲۰۰۲

که سبکهای اسلامی شروع بظهور نموده و در تزیین بافته‌ها حاشیه‌هایی با تصاویر حیوانات و بعضی خطوط و نباتات بکار رفته است (بشکل ۱۲۰ رجوع شود) اما منسوجاتی که در چهار قرن اولیه بعد از فتح اسلامی در ایران بافته شده با وجود کمال دقتی که دریافت و زیبایی و رنگ آنها مرعی شده و با اقبال و توجهی که به پرچمها و پرده‌های زیبایی که دارای خطوط کوفی بوده میشد و با تمام مرغوبیتی که پارچه‌های کارخانه‌های ایران داشت باز از جنبه فنی اهمیت و ارزش شایانی نداشته است

دوره سلجوقی

باید گفت در دوره سلجوقی نهضت عمومی و تقدیم حقیقی صنعت بافندگی در ایران شروع شده است و دو عامل مهم در آن مؤثر بوده است: اول معلوم است و تعالیمی است که ایرانیان بواسطه سلجوقیها از سبکهای چینی فرا گرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و حیوانات در شکل تزیینی آنها تجلی نموده است دوم اسالیب و سبکهای اسلامی است که در بلاد بین النهرین و موصل و دیار بکر معمول و متداول شده و فروع بته‌های بیانی و حواشی را بچنین موضوعات تزیینی ساسانی بکار برده اند

واز بدست آمدن مجموعه‌ای ز بافته‌های بریشمی که بر اثر کوششهای علمی درویرانه‌های شهرری بدست آمده منسوجات دوره سلجوقی را خوب شناخته‌ایم مخصوصاً این مجموعه نمونه بسیار کاملی از آن دوره است و زیبایی که دارد این است که از حیث ظاهر کاملاً با منسوجات دوره قدیم برین اختلاف دارد اما کماز دقتی که در ترسیم و طرح و محکمیت و زیبایی و صرفت آن عمدتاً آمده است هنوز بعضی اصول قدیم را از دست نداده است مثلاً در بعضی از آنها اشکال هندسی کثیرالاضلاع و با خطوط کوفی و با حاشیه‌هایی از تصاویر حیوانات

و یادآوری که در آنها پرندگان و حیوانات گرد درخت زندگانی کشیده شده می‌بینیم اما این دوائر دارای محیط کوچکی هستند که به پارچه يك جنبه فنی می‌بخشد و آنرا از حالت بیدادتی که در برخی از اشکال ساسانی است دور میسازد.

شکی نیست که شهر ری در قرون وسطی همانطور که در صنعت خزف سازی شهرت داشته یکی از مراکز بزرگ و مهم بافندگی نیز بوده است؛ و گذشته از این که علمای کاوش در ویرانه های این شهر منسوجاتی را که بدانها اشاره رفت بدست آورده اند و چند دستگاه بافندگی که دال بر این است که آن منسوجات بافت همان شهر است نیز کشف کرده اند مورخین و جغرافی نویسان قدیم هم از شهرت شهر ری در صنعت بافندگی و مقامی که در این میدان داشته است مفصلاً بحث نموده اند.

بعضی از پارچه ها که بشهر ری منسوب است علاوه بر خطوط کوفی که دارد در زیبایی و دقت و ابداع در اشکال - بیوانی و آدمی نیز ممتاز میباشد. این اشکال حیوانات که دارای اجسام ممتدی هستند اشکال تزیینی خزفهای منسوب باین شهر را بیاد می‌آورد در و بهمرفته اشکال و تزییناتی که در منسوجات این شهر زیاد بکار رفته است طووس میباشد.

این شهر معروف ببافتن یک-نوع پارچه ابریشمی در یودی شده که موسوم به « المنیر » است ولی تصور نمیرود که بافتن آن ویژه آن شهر بوده و سایر شهرهای ایرانی آنرا نیافته باشند.

از جمله منسوجاتی که منسوب بایران است پارچه کتانی بسیار زیبایی است که فعلا در مجموعه (کلکسیون) مستر ولیم مور است و دارای حاشیه هائیت که از ابریشم سفید و مشکی بافته شده است و در ضمن تزیینات آن مناطقی است که در آنها اشکال مرغابی و غاز کشیده شده و علاوه بر اینها ستاره های هشت

پر و تصویر درازگوشی که میان بنه‌های نباتی است و پرنده‌ای بر فراز سرش نشسته است دیده میشود (۱)

پارچه دیگری هست که باز منسوب آن ناحیه است و از آثار قرن پنجم یا ششم هجری (یازدهم یا دوازدهم میلادی) است؛ و سابقاً در مجموعه رأینو بوده است؛ این پارچه منتهی به چهار حاشیه منطقه دار میشود و دو منطقه بالا و پائین و پهن دارای اشکال نباتی از سبک و روش ساجوقیت که میان آنها اشکال غازهائی با کمال زیبایی و آرایش کشیده شده و در دو منطقه واقع در وسط دو سطر خط کوفی دیده میشود (شکل ۱۲۱)

از منسوجاتی که منسوب شهر بزد است پارچه‌ی ست در مجموعه متهمستر و مور نامبرده سابق که در آثار صنعتی قرن ششم هجری (دوازدهم میلادی) است و دارای زمینه آبرنگ مایل سیاه است و حاشیه بسیار زیبایی از خطوط کوفی دارد که با گیاه‌های شکلی و نباتی تزیین شده است (شکل ۲۲) (۲)

بک-نوع پارچه دیگر هست که منسوب شهر کاندان است و در آن شکار و رسوم دیده میشود که رابطه بسیار قوی و نزدیک و صمیمی فی مابین اسلام ایران دارد و از جمله آنها گرد آفتاب گردن و سگ - سیاه - نیست

(۱) A Survey of Persian Art ج ۴ شکل ۲۴ رجوع شود

(۲) La valeur decorative de l'Alphabet Arabe

در مجله Arts et Metiers Graphiques شماره ۱۲ - ۱۳

که غلاف شمیر مقدس از پهلوی آنها آویزان است (۱) و در یکی از این نوع پارچه ها تصویر دو سوار دیده میشود که درختی میان آنها است و هر يك از آنها بازی در دست دارد و در زیر اسب هر کدام شیری خفته است و این اشكال در منطقه هائی است که محدود به دو حاشیه میشود (۲) در پارچه دیگری از همین نوع تصویر گرگس دو سری با بالهای گشاده دیده میشود که میان آنها سر تاجداري است و در طرف آن شكل شیر بالداري دیده میشود؛

در دوره مغول

در دو قرن هفتم و هشتم هجری بسراثر افزایش ورود کالای چین و اتساع دامنه تجارت ایران با آن کشور و در نتیجه حملات مغول و آمدن عدّه زیادی از اقدگان چینی بایران تاثیر سبکها و روشهای تزئینی چین در صنعت نساجی ایران رو با افزایش نهاد

سابقا گفته شد که مقارن همان اوقات حکومت چین بدست خاندان یوان مغولی بود که تا سال ۶۶۷ م (۱۳۶۷ میلادی) در آنجا حکومت داشت و خیلی بدیهی و طبیعی بود که روابط فرهنگی و فنی و بازرگانی میان دو خاندان سلطنتی چین و ایران که از يك خانواده بودند بر قرار گردد و معروف است

(۱) A Survey of Persian Art ج ۴ ص ۲۰۱۴ رجوع شود

(۲) Wiet, un tissu 'muslman', d, nord' de La peise

در همان وقت عده ای از مهاجرین اسلامی در چین مستقر شده و بسافتن پارچه های ابریشمی که در آنوقت به تمام کشورهای خاوری اسلامی صادر میشد مشغول شدند و بدیهی بود که این کالاها تأثیر زیادی در سبک و اسلوب سراکز بافندگی اسلامی و خاور میگرد و حتی تأثیر آن بکارخانهای بافندگی ایتالیا نیز سرایت کرده و در اسلوب و روش آنجا نیز تأثیر نموده است

باری بر اثر این تماس فنی ایرانیان موضوعات تزیینی چین از قبیل ازدها و عنقا و سایر حیوانات افسانه ای و گل لوتس و چوب چلیپا شکل (فاوانیا) و ابرهای چینی (تشی) را سکه منسوجات و پارچه های چینی در دوره سلسله هان (۲۰۲ ق م - ۲۲۰ م) آن ممتاز بود تقلید نموده اند (۱)

معروف است که بعضی از مراکز نساجی ایران خصوصاً هرات و شوش و شوشتران اهمیت و مقام را که در بافندگی داشتند در دوره مغول بر اثر خرمی و زبرانی از دست دادند ولی در عوض بعضی مراکز دیگر خصوصاً هرات و بیشابور توجه زیادی از این قوم نسبت به صنایع خود دیدند زیرا مغول غالباً صنعتگران را اذیت نمیکردند چنانکه پس از فتح شهر مرو عده زیادی از صنعتگران بجا را متعرض نشدند (۲) بالاخره گر هر کری

(۱) گل لوتس اصلاً از موضوعات تزیینی چینی بوده بلکه از اصولی است که در قدیم در تزیینات

مصر و سوریه بکار میرفت و از آنجا به هندوستان منتقل شده و با تغییراتی بچین آمده ولی در

چین فقط از دوره حکومت سلسله تنج (۹۰۶-۹۱۸ م) در تزیینات معمول گردید

(۲) W. Barthold : Turkestan down to the Mongol invasion ص ۴۲

ویران شد مراکز دیگری معروف و مشهور گردیده و از جمله آنها در شهر تبریز (۱) و قم (۲) میباشند

رو به رفته میتوان گفت که مغولها توجهی به صنعت نساجی داشتهاند و این توجه از مظهر زیبایی پارچه های آن دوره که تصویر آنها را در نقاشیهای آن دوره می بینیم و بر تن اشخاص که تصاویرشان کشیده شده است و با چتر ها و پرده ها و روپوش تنخها و سایر اشیاء تجملی که در آنها مشاهده میشود ثابت میگردد

از موضوعاتیکه در منسوجات دوره مغولی دیده میشود شیوع اصول تزیین پارچه ها با حواشی است و این سبک در آن دوره در تمام نواحی عالم اسلامی شایع شده و بافتدگان از آن پیروی کرده اند، اما حاشیه قماشها در دوره مغول رنگ شده و در آن انواع و زیبایی منظره ملحوظ گردیده است، و بعضی از آنها با خطوط هندسی مستقیم یا منکسر و یا مقاطع زینت یافته است (۳)

گاهی در منسوجات قرن ششم هجری (چهاردهم میلادی) موضوعات تزیینی نهائی که شکل طبیعی آنها تغییر داده شده دیده میشود ولی این تغییر شباهت آنها را با اصل کلی از بین نبرده است، این موضوعات عبارت از رنگ درختی است که نمها از ساقه ندرورید بلکه از اصل و ریشه درخت و گاهی از زمین روئید و سراسر پارچه را پوشانده و آنرا بشورت باغچه و گلزار سبز

(۱) Hevd : Histoire du Commerce du Levant ج ۲ ص ۲۹۷

(۲) A survey of persian Art ج ۲ و ۶۶۲ ص H , Howrth : History

(۳) of , the Mongols ج ۲ ص ۴۱۵

(۴) A Survey of persian Art ج ۲ ص ۴۰۴-۴۰۴ و ۴۱۰

و خرمی در آورده است، میانت این نوع تزیینات و تزیینات زمینه تصاویر کتب خطی راجع باواخر عصر مغولی و مکتبهای مختلف تیموری خصوصاً مکتب هرات شباهت زیادی موجود است،

از مهمترین موضوعهای تزیینی که در دوره مغول و تیموریان در منسوجات معمول شده رسم فروع بهائی (اراسک) و اشکال آجرهای کاشی میباشد (۱)

در یکی از موزه های شهر وین مجموعه ای از اقمشه ابریشمی دوره مغول موجود است که جزء کفن رودلف چهارم دوک اتریش بود (۲) روی پارچه های این مجموعه اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمینه ای از اطلس (ساتینی) (۳) بافته شده و روی یکی از آنها کتابتی با خط نسخ درشت بنام سلطان ابوسعید (۷۱۷ - ۷۳۶ = ۱۳۱۷ - ۱۳۳۵ هـ) موجود است.

مجموعه دیگری از منسوجات آن دوره هست که تأثیر کامر سکه های چینی در آنها نمایان است و تصویر مربوط برای محمد بن قلاوون پادشاه مملوکی مصر ساخته شده، و اشکال آن عبارت از تصویر دو هنرمند است که در منطقه هندسی دو زده ضلعی کشیده شده و پشت بهم داده اند این اثر داری مشاق دیگری که با خطوط نسخ تزیین شده بد (۴) ، فعلاً مشهورترین و زیباترین پارچه های این مجموعه در یکی از کلیساهای شهر د ریخت Maken Kroch و در موزه های شهر برلن محفوظ میباشد (۵)

(۱) ص ۳۰۴ از مصدر سابق الذکر

(۲) A Survey of Persian Art ج ۶ تابلو شماره ۱۰۰۳

(۳) به تابلو شماره ۱۱۰ شکل ۱۳۳ از مصدر سابق الذکر رجوع شود (۴) دائرة المعارف اسلامی ج ۲ ص ۸۴۸ نموده فرانوی ماده دطراره رجوع شود (۵) Survey of Persian Art تابلو شماره ۱۰۰۰ رجوع شود

و از پارچه های این دوره که تأثیر زیاد سبک چینی در آن **تیهوریان** است مجموعه ای است که دارای حواشی چندی میباشد و بعضی از این حواشی بمناطق تقسیم شده و در یکی از این مناطق نام «عبدالعزیز» **تیهوریان** آن بافته شده است (۱)

اما کارشناسان معتقدند که در دوره مغول تعدادی در صنعت نساجی حاصل نشده است و در بافت بعضی از انواع پارچه های دقیق نساخان درست مهارت نیافته اند، تنوع و زیبایی رنگها نیز کم شده است، ولی ما معتقدیم این ملاحظات ناشی از نقص صنعت نیست بلکه بر اثر مراعات ذوق و سلیقه عوامی آن دوره است و بدیهی است که منسوجات دوره مغولی دارای رنگهای مطبوع و ملایمی بود و این امتیاز از نتایج تأثیر سبک و روش چینی حاصل شده است

بهر حال در منسوجات دوره صفوی شروع دوران لطافت و دقت و اهمیت و بزرگی و تجمل و زیبایی در تزیین را مشاهده میکنیم و همین مقدمات است که منسوجات ایران را در دوره صفوی بآن مقام و پایه رسانده است و در عوض آن جاذبه و شهرت و آزادی در تزیین و سایر مزایا که در منسوجات دوره ساسانی و ادوار صدر اسلام ایران دیده میشود در این دوره چیز قابل ذکری از آنها دیده نمیشود

در دوره تیهوریان

قسمتهای شرقی ایران در دوره تیموری از سایر قسمتهای کشور آریز بود و حیران که از سابق مقام مهم و شهری در صنعت نساجی داشت در دوره تیموری خیلی مهمتر و بزرگتر گردید خصوصاً شهرهای سمرقند و هرات

در زمان تیمور و جاشینانش مهمترین مراکز بافندگی پارچه های نفیسی است که امراء و بزرگان دولت می پوشیدند و از آنها بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاها را درست میکردند خود تیمور عدۀ زیادی از بافندگان چین و شام را بکشور خود آورد و آنها را نوازش و ترغیب نمود و بر اثر آن صنعت نساجی پیشرفت کرد پس بطور قطع این بافندگان و صنعتگران در ترقی و تکامل این صنعت در آن دوره تأثیر زیادی داشته اند

در حقیقت منسوجات ایران در دوره تیموری در کثرت استعمال نباتات متصل در تزیینات ممتاز میباشد و این همان سبکی است که در منسوجات عراقی و مصری آن دوره مشاهده میشود، امتیاز دیگر منسوجات این دوره در انواع جدیدی که معمول شده و بیشتر از دیب و بافته های راهراهی است که طلا و نقره در آنها بکار رفته و با اشکال پرندگانی مطابق روش چینی تزیین شده است و بعلاوه معمول شدن بافتن پارچه های مخملی بسیار عالیست که یکی از جهان گردان ایتالیائی نمونهائی از آنها دیده است (۱)

این صنعت در دوره تیموریان در شهرهای یزد و سمرقند و کاشان و تبریز رونق و پیشرفت بسزائی کرده و کارخانه های این شهرها منسوجات خود را بسطراف و اکثر بلاد عالم اسلامی صادر می نمودند

گرچه امروز نمونه هائی از منسوجات آن دوره در دست نیست اما با وجود این بواسطه آثار و تصاویری که در کتب خطی باقی است اطلاعات زیادی از آن دوره در دست هست و بدیهی است که در تمام این آثار که در

(۱) C Grey (Trans.) A Narrative of Vincenzo d' , Alessandria

کتب باقی است تأثیر سبک و روش چینی کاملاً در آنها هویدا و ظاهر است زیرا روابط محکمی که میان ایران و خاور دور (چین) وجود داشت در دوره تیمودی خیلی قویتر شده و فرستادگان و هیئت های اعزامی چندی از طرفین بدربار های همدیگر رفت و آمد نموده اند، و ایرانیان در آنوقت انواع صنایع چینی خصوصاً منسوجات و خزف را از چین وارد میکردند و ما دیدیم که در سال ۸۲۳ و ۸۲۶ هـ (۱۴۲۰ - ۱۴۲۳ م) يك هیئت اعزامی از ایران بکشور چین مافرت نموده است و غیاث الدین نقاش جزء اعضاء آن بود و او مشاهدات خود را که متضمن معلومات زیادی دربارهٔ اینمیه و البته چین است گزارش داده است.

در قرن نهم هجری (پانزدهم میلادی) مشاهده میشود که در منسوجات ایران اولاً بکار بردن گل لوتس در تزیین زیاد شده است و ثانیاً توجه بیشتری بموضوعات تزیینی کرده اند خصوصاً آوردن مرغابی در نقش پارچه ها که در بیشتر آثار صنعتی آن دوره دیده میشود.

خلاصه آنکه پارچه بافی در دوره تیموریان قدم بزرگی در راه رسیدن به تکامل برداشته و توجه خاصی در تکمیل موضوعات تزیینی و نقش و طرح پارچه شده و بر اثر آن منسوجات آن دوره لطافت و زیبایی خاصی یافتند و از آن حالت ابتدائی در آمده و آن خشونت و منظره‌ای را در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام داشت از دست

(۱) - N Quatremère : Matal — Assaabein ou madjmaa

Rein. Notices et extraits des manuscrits de Fa BidLiethéque du RojXIX, 1

سال ۱۸۴۳ ص ۴۸۷ - ۴۸۶

دوره صفوی

اگر آنچه را که جهانگردان در باره صفوی میگویند صحت داشته باشد باید گفت این دوره درخشاترین دوره های طلائی صنعت بافندگی و نساجی ایران بشمار میرود، زیرا در این دوره شاه و امراء و دوبریافت و بزرگان قوم در لباسهایی که از دیبا و سایر پارچه هایی که برشته های طلا و نقره مزین بود می خرامیدند و برای اسباب خود بهترین و گرانبهاترین زین و برگ را تهیه مینمودند و در کاخهای شهری و چادر های سفری خود بهترین فرشها و پرده ها و اثاثیه ها را که از بهترین انواع پارچه ها تهیه شده بود بکار میبردند، و حقیقه در بکار بردن پارچه های عالی فوق العاده اسراف و زیادروی میکردند بهمین جهت کارخانه ها مقادیر زیادی از آنها تهیه میکردند که علاوه بر مصرف داخلی مقدار عمده ای از آنرا تجار به بازارهای اروپا و روسیه حمل میکردند و در آنجا نیز اقبال مهمی بآن میشد.

نساجات ایرانی نیز بر اثر این اقبال و مرغوبی کوشیده اند تا در بافت انواع و اقسام پارچه ها از قبیل دیبا و پارچه های کتانی و اطلس و مخمل و غیره مهارت یافتند و در رنگ آمیزی نیز موفقیت شایانی نصیب آنها شده و توانسته اند دقیقترین و زیبا ترین انواع رنگهای را بکار برند. در تزیین و طراحی نقشه قماش نیز بدرجه ای رسیده اند که مانند آن سابقه نداشته و انواع گلها و فروع نباتی و باد زنبای نخلی (پالمت) و مناظر سبز و خرم باغ و گلزار و پرندگان و آهوان و اشکال ابر های چینی (تشی) در تزیین پارچه ها و قماشها بکار برده اند بعلاوه این نقش و نگار هادر قالب بسیار زیبا و جذابی که دلالت بر خوش ذوقی و کمال صنعت میکرد بکار برده شده است.

ز و آخر قرن هجدهم هجری (پانزدهم میلادی) نیز قابل شایسته

تصویری و نقش و نگار ظاهر شده و کم کم قوت گرفته و شیوع یافته تا بحدی که یکی از واضحتربین حمیزات پارچه و قماش دره صفوی شده است و در همانوقت علاوه و رابطه شدیدی میان موضوعهای تزیینی پارچه ها و تصاویر کتب خطی بوجود آمده و بر اثر تأثیری که فنون و سبکهای چینی در صنعتگران ایران داشت اشکال و تصاویر خیلی دقیق شده و در تقلید از طبیعت و کشیدن مثالهای صادق مهارت فوق العاده ای دست آورده اند.

بهر حال بر اثر توجه خاص سلاطین صفوی و اهمیتی که بصنعت نساجی میداده اند بافتن پارچه های ابریشمی بدوره پلائی خود رسیده و کارخانه های ایران بهترین انواع دیبا و مخمل را که با رشته های ابریشمی رنگ برنگی که گاهی با رشته های قره ترین میشد بافته است.

اما تزیینات این نوع پارچه ها عموماً از موضوعهای داستانهای شاهنامه و منظومه های شعراء معروف ایران و یا مناظری که شاهزادگان و طبقه اشراف را در شکارگاهها نمایش میداد بوده است علاوه بر این مناظری از جشنهایی که در باغ و گلزار و هوای آزاد تشکیل می یافت و یا از گلهای زیبایی که در قرنهاي دهم

و یازدهم هجری (شانزدهم و هفدهم میلادی) زیاد در تزیین منسوجات ایرانی بکار رفته مانند گل سوسن و زنبق و گل سرخ و غیره در پارچه ها بکار رفته اما از حیوانات که در منسوجات بکار برده اند اشکال حیوانات درنده و خرگوش و آهو و طوطی است و گذشته از همه اینها اشکال درخت سرو و نارون و عموماً درختهای مخروطی شکل را جزء اشکال تزیینی منسوجات آورده اند ، تمام این موضوعات که برای زینت دادن پارچه بکار میرفت و موضوعات دیگری از قبیل مناظر طبیعی و سایر مناظر از قبیل سرگنشت خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون همه در صنایع اقمی بطوری مرتب میشد که منسوجات دوره صفوی را يك بهجت و طراوت

پوشیده از گل و برگ و شاخه درخت دیده میشود (۱) و خیلی شبیه با سلوب میر
نقاش است که تصور می‌رود پس از سلطان محمد عهده دار ریاست انجمن شاهی فنون
و صنایع شده است نمونه دیگر از این نوع منسوجات در دو طرف روپوش (خمار)
دیباچی است که در موزه فنون و صنایع زیبای پاریس است و اشکال تزیینی آن
عبارت است از ساقهای میان شاخه های دقیق نباتی (۲)

پارچه های دیگری از این دوره هست که اسلوب و روش نقاشی محمدی
نقاشی را در تصاویر خود بیاد می آورد و برای نمونه در تابلو های این
کتاب یکی از آنها را گراور کرده ایم (شکل ۱۲۶) این پارچه در
موزه ناولوف Thaulow شهر کیل Kiel میباشد و اشکال تزیینی آن عبارت از
یک نفر سربازی است که کلاه خودی بر سر دارد و در حالیکه اسیر را میبرد با
شخصی دیگر که نشسته است صحبت میکند در برابر اسیر نیز شخص دیگری
ایستاده است و این منظره بر زمینه ای پوشیده از نباتات و درختان نمنه دار مرتفع
و بلندی که بر فراز هر کدام طاوسی قرار دارد و در زیر آن منظره ای از دریاچه
بر از ماهی دیده میشود

این اشکان آدمی و نباتی دقیق و زیبایی که از شاهکار های
صنعتی ساجان تبریز است فقط در اقمشه ای که با نخهای نقره ای تزیین میشود
دیده نمیشود بلکه در پارچه های دیگری که از حیث قماش و نوع و بها یست
تر از آنها هستند نیز مشهود میگردد و بهمین جهت مورخین فنون و صنایع
میگویند این پارچه های اخیر از بافت شهر قزوین است زیرا وقتی در سال
۹۳۹ هـ (۱۵۸۵ م) شهر تبریز مورد تاخت و تاز ترکها قرار گرفت شاه

Brief, Guide, to the Persian Woven Fabrics (Victoria, and . Aibert Museum) (۶)

ص ۱۶ تابلو ۴ شکل ۴

R : Koechlin & G . Migeon . Islamische Kun Stwerke - (۴)

تابلو ۲۲ و ثرات اسلام ج ۲ شکل ۴۵